



تأثیر تجارت بر امنیت: مطالعه موردی قطر (۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰)*



دکتر مجیدرضا مومنی - هدی یوسفی نجف آبادی

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

ارتباط میان تجارت و امنیت دغدغه بسیاری از پژوهشگران روابط بین‌الملل است. پژوهش‌های متعددی در رابطه با تأثیرات متقابل یا مجزای این دو مفهوم بر یکدیگر انجام شده است. اما هنوز این خلأ در خصوص کشور قطر به وضوح مشاهده می‌شود. از این رو نویسندگان به دنبال بررسی این مسئله و پاسخ به این پرسش «اقدامات تجاری کشور قطر از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ چه تأثیری بر امنیت این کشور داشته است؟» می‌باشند. روش پژوهش کیفی، با تکنیک نمونه پژوهی و رویکرد تبیینی است که به وسیله آن اثر علی متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای - اسنادی و از طریق منابع اولیه اسناد، گزارش‌ها، کتب، مقالات و سایت‌های اینترنتی گردآوری شده است. در مجموع هدف کلی این پژوهش بررسی تأثیر تجارت بر امنیت کشورها (مطالعه موردی قطر) است. برای تبیین موضوع از چارچوب نظری وابستگی متقابل که یکی از نحله‌های فکری لیبرالیسم است، استفاده می‌شود. نتایج کلی نشان می‌دهد بخش زیادی از امنیت فعلی کشور قطر به وسیله تکیه بر ایده وابستگی متقابل و سیاست‌های توسعه‌ای بلندمدت و نیز با یافتن شرکای قدرتمند سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و در سایه متنوع‌سازی اقتصاد به دست آمده است که در بعد نظامی منجر به توانمندسازی، در بُعد اقتصادی ثبات و رفاه نسبی و در بُعد انسانی و اجتماعی توسعه یافته شده است.

کلیدواژگان:

تجارت، امنیت، وابستگی متقابل، همکاری اقتصادی، قطر

مقدمه

در قرن بیست و یکم، مباحث مربوط به امنیت نیز مانند دیگر مسائل با تغییرات بسیاری مواجه بوده است. امنیت به معنای حداقلی، ناظر بر عدم وجود تهدید نظامی است و در جهان امروز مفهومی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه روابط بین‌الملل هدی یوسفی نجف آبادی با راهنمایی دکتر مجیدرضا مومنی است.
دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی. / نویسنده مسئول، / ایمیل: majidreza.momeni@atu.ac.ir
دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی.

تقلیل یافته تلقی می‌شود. چرا که در حوزه «قانون سیاسی» قابل بررسی است و اهمیت بسیاری دارد و زمانی که از آن سخن به میان می‌آید، علاوه بر مقابله با تهدیدات سخت و نیمه سخت، برقراری امنیت در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... نیز مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مورد توجه که می‌تواند منجر به تأمین امنیت شود، مسائل اقتصادی و تجارت است. چرا که امنیت نه تنها می‌تواند موجب گسترش تجارت و همکاری شود؛ بلکه سبب تثبیت امنیت نسبی می‌گردد. هر چند در نظام بین‌الملل هنوز امنیت بیشتر نمود نظامی دارد و در تقسیم‌بندی‌های نظام بین‌الملل کشورهای با وسعت و جمعیت تعریف و طبقه‌بندی می‌شوند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد، دو مفهوم امنیت و تجارت به شکل موفقیت‌آمیزی پیوسته و در ارتباط هستند. همین موضوع باعث شده که کشورهای کوچک به جنبه‌های متفاوتی از قدرت روی آوردند تا بدین وسیله قدرت و امنیت نسبی خود را تأمین و تضمین کنند.

کشور قطر با وسعت کم و جمعیت اندک، نمونه‌ای از این کشورها است، این کشور به دلیل همسایگی با دو کشور (جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی) وسیع، جمعیت قابل توجه، توان نظامی بالا و... با تهدیدات زیاد مستقیم و غیرمستقیم مواجه است. از طرف دیگر فقدان تولیدات کشاورزی و صنعتی داخلی، اتکای اقتصاد به فروش انرژی که به میزان زیادی تحت تأثیر نوسانات قیمت انرژی قرار می‌گیرد و نیاز این کشور را به امنیت انتقال انرژی به امری حیاتی تبدیل کرده است. همین موضوع باعث شده که قطر بیش از پیش آسیب‌پذیر باشد. از طرف دیگر تلاش برای عدم وابستگی به عربستان سعودی یا کشورهای قدرتمند فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا، تصمیم‌گیران قطر را در موقعیتی قرار داده است که برای توسعه کشور بدون وابستگی و با اتکا به توان خود در عرصه داخلی و بین‌المللی قدم بردارند. این برنامه‌ریزی‌ها و ایده‌ها سرانجام در سال ۲۰۰۸، منجر به تدوین «سند چشم‌انداز قطر ۲۰۳۰»^۱ گردید که در آن توسعه در ابعاد انسانی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، تبیین شده است.

در بخش توسعه اقتصادی، سیاست‌گذاران قطر جنبه‌های مختلفی از جمله به کارگیری دیپلماسی اقتصادی،^۲ روی آوردن به تجارت آزاد و ایجاد پیوندهای اقتصادی محکم با متحدان قدرتمند در عرصه منطقه و جهان مدنظر قرار داده‌اند. پرداختن به این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که مسائل مربوط به اقتصاد و تجارت در جهان امروز به اولویت مهمی در سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است و توجه به آن نه فقط در حوزه اقتصاد بلکه به دلیل تأثیرگذاری آن بر دیگر ابعاد، به‌ویژه امنیت کشورها ضروری می‌نماید. لذا پرداختن به این موضوع و بررسی ویژه کشور قطر به‌عنوان یک بازیگر فعال جدید در منطقه و جهان، برای درک مناسبات حاکم بر سیاست بین‌الملل و منطقه‌ای ضروری است. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله این است که اقدامات تجاری کشور قطر چه تأثیری بر امنیت این کشور داشته است؟ فرضیه مقاله بدین قرار است که قطر با به کارگیری

^۱ Low politic

^۲ Qatar National Vision 2030

^۳ Economic diplomacy

ابزار تجارت و اقدامات مختلف اقتصادی توانسته است منافع خود را با کشورهای که با آنها مبادلات تجاری دارد همسو ساخته و امنیت خود را در تمام ابعاد افزایش دهد. روش پژوهش کیفی، با تکنیک نمونه پژوهی و رویکرد تبیینی است. هدف کلی مقاله بررسی تأثیر تجارت بر امنیت قطر از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ است. از این رو ابتدا با بررسی پیشینه تحقیق، چارچوب نظری (وابستگی متقابل) به مبحث اصلی مقاله تأثیر تجارت بر امنیت در کشور قطر (۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰) پرداخته و در نهایت با یک نتیجه گیری به پایان می‌رسد.

۱- پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع «تأثیر تجارت بر امنیت»، آثار متعددی منتشر شده است؛ اما این موضوع به طور خاص و با مطالعه موردی کشور قطر پژوهش جدیدی به حساب می‌آید و پژوهشی به صورت مستقیم به این مسئله نپرداخته است، هرچند آثار غیرمستقیمی در این رابطه وجود دارد که در کلیات می‌توانند برای مقاله پیش‌رو مفید باشند. اما در مجموع می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

میلر (۲۰۲۰) در مقاله‌ای امنیت انرژی و استراتژی آینده قطر را به عنوان کشوری کوچک بررسی کرده است. او معتقد است، گاز قطر نه تنها یک منبع انرژی، بلکه یک ابزار استراتژیک برای امنیت و قدرت است. اوج این سیاست از زمان تحریم‌های قطر در سال ۲۰۱۷ بوده است. از نظر نویسنده، این سیاست قطر باعث شده تا اقتصاد آنها با وجود اختلاف قدرت زیاد در برابر شوک‌های ناشی از ائتلاف ضد قطری عربستان و امارات مقاومت خوبی نشان دهد و اینگونه امنیت اقتصادی و ملی را برای آنها فراهم آورد. به کارگیری استراتژیکی قطر از منابع انرژی باعث شده تا آنها بر مشکلات مرسوم که در بسیاری از پژوهش‌ها و مقالات برای کشورهای کوچکی که سعی در استفاده از منابع انرژی خود برای دنبال کردن سیاست‌های مستقل در خدمت اهداف استراتژیکی مستقل دارند، غلبه کند. همچنین، این نوع مدیریت استراتژیک و هوشمندانه قطر در انرژی باعث ثبات اقتصادی و امنیت آنها شده، این تفکر رایج که بر طبق آن؛ دولت‌های مستقلی که بر اساس معیارهای سنتی نسبت به دشمنان خود برتری دارند، ناگزیر از هرگونه درگیری نظامی، دیپلماتیک یا اقتصادی به عنوان پیروز شناخته می‌شوند را به چالش کشید. در نهایت از نظر نویسنده، قطر در این زمینه الگوی خوبی برای عبور از بحران برای کشورهای کوچک است (Miller, 2020).

کریستین کوئتز اولریکسن^۲ (۱۳۹۶) در کتابی تحت عنوان «اقتصاد سیاسی بین‌المللی خلیج فارس»، با ترجمه فریبرز ارغوانی پیرسلامی، سید جواد صالحی و مهدی کشاورز، به بررسی وضعیت در حال تغییر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در درون نظم جهانی پرداخته است. نقطه قوت این کتاب بررسی موضوعات مانند بین‌المللی شدن کشورهای خلیج فارس و برنامه‌ریزی برای اشکال گوناگون قدرت و نفوذ در میان اقتصاد منطقه‌ای و جهانی است. نقطه ضعف آن عدم اشاره به تأثیر تجارت بر امنیت خصوصاً قطر می‌باشد (اولریکسن، ۱۳۹۶)؛ (Ulriksen, 2017).

^۱. Qatar, Energy Security, and Strategic Vision in a Small State

^۲. Christian Koetz Ulriksen

مهران کامروا (۱۳۹۶) در مقاله‌ای که با عنوان «سیاست خارجی قطر و استفاده از قدرت ظریف» منتشر کرده؛ معتقد است سیاست خارجی قطر چهار جزء اصلی دارد که شامل فراگیری، حمایت و امنیت نظامی، دیپلماسی فوق‌فعال و صاحب‌نام، و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی است. نقطه قوت این مقاله این است که در این چهار بخش سیاست خارجی، قطر را با سطح قدرت و نفوذی که فراتر از وضعیت آن به عنوان یک کشور کوچک و تازه بود، وارد سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی کرد، نه در جذب هنجارها (قدرت نرم) و نه در توانایی نظامی (قدرت سخت) ریشه دارد. اما نقطه ضعف این مقاله عدم اشاره به تأثیر تجارت بر امنیت قطر می‌باشد (کامروا، ۱۳۹۶)؛ (Kamrava, 2017).

آدام هنیه (۲۰۱۱) در کتابی با عنوان «سرمایه‌داری و طبقه‌بندی در کشورهای عربی خلیج فارس»، با بیان این که شش کشور شورای همکاری خلیج فارس نقش مهمی در اقتصاد جهانی دارند، نظام اقتصادی آن‌ها را در قالب سرمایه‌داری غربی تبیین می‌کند که در عصر طلایی نئولیبرالیسم تحت تأثیر اقتصاد آمریکا قرار گرفته‌اند. نقطه قوت این کتاب نقد اقتصاد رانتیر است که منجر به نظام اقتصادی متکی بر صادرات منابع و عدم امکان پویای اقتصادی شده است. نقطه ضعف این کتاب پرداختن به تأثیر تجارت بر امنیت در کشورهای منطقه خصوصاً قطر است (Hanieh, 2011). عبدالله قنبرلو (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد لیبرال و مسئله جنگ و صلح در روابط بین‌الملل»، بیان می‌کند که با اشاعه گفتمان جهانی‌شدن، فضای امنیت بین‌الملل تعدیل شده است. نقطه قوت این مقاله پرداختن به دیدگاه نظریه‌پردازان نسبت به امنیت است، چرا که نویسنده بر این باور است که دیدگاه لیبرالیسم، اقتصاد لیبرال می‌تواند مانع بروز جنگ شود و پایداری صلح را تضمین کند. این در حالی است که هیچ‌گونه اشاره‌ای به تأثیر تجارت بر امنیت در کشورهای منطقه خصوصاً قطر است (قنبرلو، ۱۳۹۵)؛ (Ghanbarlou, 2016).

با توجه به آثار بررسی شده، می‌توان نتیجه گرفت با وجود آنکه آثار قابل توجهی با دغدغه ارتباط علت و معلولی میان تجارت و امنیت نوشته شده است، اما نوشتاری به‌طور خاص به موضوع مورد پژوهش در این مقاله پرداخته است؛ لذا بررسی تأثیرات تجارت بر امنیت به کمک تبیین موردی کشور قطر، پژوهشی نو تلقی می‌شود.

۲- چارچوب نظری و مفهومی - وابستگی متقابل

بر اساس نظریه لیبرالیسم تجاری، اقتصاد اصلی‌ترین راه تأمین منافع کشورها است و تجارت مطمئن‌ترین ابزار نیل به این هدف محسوب می‌شود. همچنین بر اساس تئوری نظم اقتصادی لیبرال اگر بازارها و منابع به‌صورت آزاد و رقابت‌آمیز اداره شوند، امنیت، ماهیت رفاهی و اقتصادی پیدا می‌کند (قوام، ۱۳۹۰: ۳۶۳)؛ (Ghavaam, 2011: 363). در میان گرایش‌های مختلف لیبرالیسم، نظریه‌پردازان «وابستگی متقابل» به‌طور دقیق ارتباط میان اقتصاد و امنیت را بررسی کرده‌اند.

¹. Hanieh, Adam

². Capitalism and Class in the Gulf Arab States, Palgrave macmillan Publications

³. Interdependence

در دهه ۱۹۷۰ نخبگان دولتی^۱ به این درک رسیدند که ثروت بر اساس سهم آن‌ها از بازار جهانی در تولید کالا و خدمات دارای ارزش افزوده تعیین می‌شود. این فهم دو تأثیر چشمگیر داشته است. نخست این که عصر دولت مستقل و خودکفا به سر رسیده است. لایه‌های پیچیده وابستگی متقابل اقتصادی تضمین می‌کنند که دولت‌ها، حتی قدرت‌های بزرگ نمی‌توانند بی‌آنکه خطر مجازات‌های اقتصادی سایر اعضای اجتماع بین‌المللی را به جان بخرند به اقدامات تجاوزکارانه روی آورند (Delabarre, 2020: 4-5). علاوه بر این یک دولت دلیلی نمی‌بیند که شرکای تجاری را تهدید کند؛ چرا که بازارها و سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها برای رشد اقتصادی ضروری‌اند. دوم اینکه فتح سرزمین در عصر هسته‌ای حتی برای دولت‌های یاغی خطرناک و هزینه‌بردار است، از این‌رو راه جایگزین - توسعه اقتصادی از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی - راهبردی به‌مراتب جذاب‌تر و به‌طور بالقوه سودآورتر است (Strange, 1991).

از طرف دیگر، اواخر دهه ۱۹۶۰ و در دهه ۱۹۷۰ ویژگی‌های اصلی نظام بین‌المللی تغییراتی به سمت وسوی روابط متعدد و متداخل کشاورش و همکاری پیدا کرد. تنش‌زدایی کم‌رنگ شد و مسائل اقتصادی، جایگزین مسائل سیاسی شدند. در چنین فضایی، به نظر برخی از دانشمندان روابط بین‌الملل، مفروضات نظریه واقع‌گرایانه روابط بین‌الملل قادر به تبیین همه مسائل بین‌المللی نبودند و لازم شد نظریه جدیدی در باب مسائل بین‌المللی در کنار مدل واقع‌گرایانه مطرح شود (کوهن و نای، ۱۴۰۰)؛ (Keohane and Nye, 2021).

در تعبیر عمومی، وابستگی به معنای وضعیتی است که در آن رفتار یک دولت شدیداً تحت تأثیر نیروهای خارجی است یا کاملاً به‌وسیله آن‌ها شکل می‌گیرد. وابستگی متقابل در سیاسی جهانی به وضعیتی اشاره دارد که در آن بین کشورها یا بین بازیگران داخلی کشورهای مختلف تأثیرگذاری متقابل وجود دارد (Baldwin, 1980: 482). وابستگی متقابل در ساده‌ترین مفهوم وابستگی دوجانبه است. وابستگی متقابل در سیاست جهانی به وضعیتی اشاره دارد که وجه مشخصه آن‌ها آثار متقابل میان کشورها یا میان بازیگران در کشورهای مختلف است (سلیمی، ۱۳۹۶: ۶۸-۶۳)؛ (Salimi, 2017: 63-68).

از مفاهیم بنیادین وابستگی متقابل می‌توان به وابستگی متقابل، تقارن و عدم تقارن، قدرت، حساسیت و آسیب‌پذیری اشاره کرد:

۱-۲- تقارن و عدم تقارن

قدرت صرفاً نظامی و سخت‌افزاری نیست، بلکه با افزودن قدرت اقتصادی و تکنولوژیک به مفهوم قدرت تنوع معنا می‌یابد. بر این اساس الزاماً وابستگی متقابل یکسان نخواهد بود و مفهوم نامتقارن در این چارچوب به این معناست که بازیگران نسبت به هم آسیب‌پذیرند، اما آسیب‌پذیری یک‌طرف از طرف دیگر بیشتر است و به بیان دیگر، منافع و هزینه‌های وابستگی متقابل به میزان قدرت دو طرف می‌تواند تغییر کند (خانی، ۱۳۸۹: ۱۱۳)؛ (Khani, 2010: 113). نباید پنداشت که

^۱. State elites

در وابستگی متقابل همواره برابری کامل وجود دارد. وابستگی متقابل با وابستگی دوطرفه متقارن و برابر یکسان نیست. عدم تقارن در وضعیت وابستگی به احتمال قوی موجب اعمال نفوذ یکی از طرفین روی طرف مقابل می‌شود.

۲-۲- قدرت

وابستگی متقابل می‌تواند یک منبع قدرت باشد، از قدرت به معنای کنترل منابع، یا توان بالقوه تأثیرگذاری بر پیامدها سخن به میان می‌آید. بازیگری که در رابطه خود با دیگران، وابستگی کمتری دارد، اغلب از یک منبع سیاسی مهم برخوردار است، زیرا تغییر آن رابطه (تغییری که بازیگر مذکور ممکن است بتواند آن را ایجاد یا تهدید به ایجاد آن کند) برای آن بازیگر هزینه کمتری نسبت به طرف‌های آن دارد. ولی این امتیاز تضمین نمی‌کند که منابع سیاسی ناشی از عدم تقارن در وابستگی متقابل به الگوهای مشابهی در مورد کنترل پیامدها منجر شود (صباغیان و سروستانی، ۱۳۹۳: ۱۴۱)؛ (Sabbaghian & Sarvestani, 2014: 141). به‌ندرت رابطه‌ای یک‌به‌یک بین قدرت مبتنی بر هر نوع از منابع از یک‌سو و قدرت مبتنی بر تأثیرگذاری بر پیامدها از سوی دیگر وجود دارد. چانه‌زنی سیاسی معمولاً ابزاری برای تبدیل بالقوه به تأثیر بالفعل است و در این فرایند اغلب ائتلاف زیادی صورت می‌گیرد. برای درک نقش قدرت در وضعیت وابستگی متقابل باید دو جنبه حساسیت و آسیب‌پذیری را از هم جدا کنیم (کوهن و نای، ۱۴۰۰: ۲۴)؛ (Keohane and Nye, 2021: 24).

۲-۳- حساسیت

حساسیت به معنای درجه تأثیرپذیری در درون یک چهارچوب سیاسی است: با چه سرعتی تغییرات درون یک کشور باعث بروز تغییراتی هزینه‌دار در کشوری دیگر می‌شود و دامنه آثار هزینه‌دار چه قدر است؟ حساسیت نه‌تنها بر اساس اندازه جریان‌های موجود میان کشورها بلکه همچنین بر اساس آثار هزینه‌دار تغییرات مبادلات بر جوامع یا دولت‌ها سنجیده می‌شود. حساسیت متقابل به‌وسیله تعاملات درون یک چهارچوب سیاستی ایجاد می‌شود. حساسیت با فرض عدم‌تغییر چهارچوب همراه است. ثابت ماندن مجموعه از سیاست‌ها ممکن است از دشواری تدوین سیاست‌های جدید در زمانی کوتاه، یا از تعهد و پایبندی به الگوی خاصی از قواعد و مقررات داخلی و بین‌المللی، ریشه‌گردد (کوهن و نای، ۱۴۰۰: ۲۴)؛ (Keohane and Nye, 2021: 24). حساسیت بدین معنی است که تحولات و روابط اقتصادی چند بازیگر بین‌المللی اهمیت و تأثیر فوق‌العاده‌ای برای دیگری دارد. ممکن است حجم مبادلات در کشور تغییری نکند اما اهمیت، تأثیر و حساسیت مبادله برای آن‌ها افزایش یابد و این به معنی افزایش وابستگی متقابل میان آن‌ها است. این امر به تدریج موجب می‌شود که درجه‌ای از همبستگی میان بازیگران اقتصادی شکل گیرد؛ زیرا آسیب‌پذیری و تأثیرپذیری آن‌ها از هم بالا می‌رود و افزایش میزان همبستگی پیوند می‌تواند به افزایش منافع آن‌ها بینجامد.

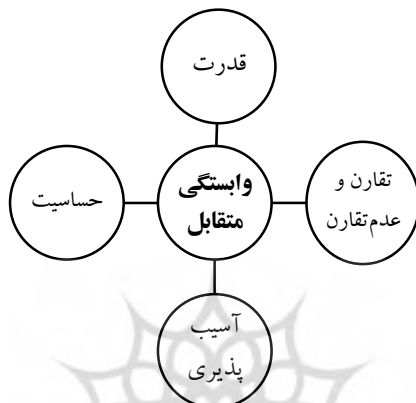
۲-۴- آسیب‌پذیری

آسیب‌پذیری را هم می‌توان به معنای تحمل هزینه‌هایی بر اثر رویدادهای خارجی حتی پس از تغییر

¹. Sensitivity

². Vulnerability

سیاست‌ها تعریف کرد. آسیب‌پذیری‌های متقابل به منزله منابع قدرت بین بازیگران است. چنین چارچوبی را می‌توان در مورد روابط بازیگران فراملی (شرکت‌های چندملیتی) با دولت‌ها و همچنین روابط دولت‌ها با یکدیگر به کاربرد. انواع مختلف وابستگی متقابل به نفوذ سیاسی بالقوه، ولی با محدودیت‌های متفاوتی، می‌انجامد. بنابراین وقتی آسیب‌پذیری نامتقارن، مساعد نیست، نفوذ ناشی از حساسیت متقابل مطلوب، بسیار محدود خواهد بود (کوهن و نای، ۱۴۰۰: ۳۲-۳۱)؛(Keohane and Nye, 2021: 31-32).



شکل ۱. مفاهیم بنیادین وابستگی متقابل

Figure 1. The fundamental concepts of interdependence

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۲)؛(Authors, 2023)

با توجه به مباحث مذکور می‌توان گفت در جهان امروز همکاری به‌عنوان یکی از ابزارهای کسب منافع کشورها تلقی شده و روابط تجاری اهمیت ویژه یافته است. کشورها به‌جای منازعه و تصرف، مشارکت اقتصادی را به‌عنوان روشی صلح‌آمیزتر برای کسب ثروت برگزیده‌اند. در چنین حالتی منافع کشورها مطلق تلقی شده و بهره‌مندی یک کشور به معنای محرومیت دیگری نیست. نظریه وابستگی متقابل که از درون تفکرات لیبرال شکل گرفته است اهمیت روابط تجاری میان کشورها را هم در تضمین قدرت و هم در تأمین امنیت تبیین می‌کند؛ لذا از آنجا که مفروضات این نظریه به‌خوبی روابط کشورها را در حوزه اقتصاد و تجارت توضیح می‌دهد برای تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نیز نظریه مناسبی به حساب آمده و قابل کاربست است.

۳- تاریخچه

قطر، کشوری کوچک در جنوب خلیج فارس است که در دهه‌های نخست قرن بیستم پس از اکتشاف و استخراج نفت و گاز، مالک ثروت زیادی شد. سرازیر شدن ثروت به این کشور، مقدمه

^۱ از سال ۱۹۷۳ قطر ابتدا کشف و صادرات نفت و سپس گاز را آغاز کرد. پیش از آن شرکت نفت انگلیس و ایران از سال ۱۹۳۱ جست‌وجوی نفت در قطر را آغاز کرد. شرکت توسعه قطر که در سال‌های بعد (ادامه در صفحه بعد) (ادامه

توسعه و حرکت این کشور به سوی مدرنیته بود. شهرسازی و ایجاد زیرساخت‌ها در حوزه‌های مختلف در قطر آغاز شد و همین امر سبب شد تا قطر کارگران مهاجر زیادی را جذب کند (مجیدی و جمشیدی، ۱۴۰۰: ۷۶)؛ (Majidi & Jamshidi, 2020: 76). با گذر زمان و تهدیدات پیش‌رو حاکمان قطر تلاش کردند در زمینه‌های مختلف اصلاحاتی انجام دهند، از این‌رو در سال ۲۰۰۸ سندی تحت عنوان سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ تدوین کردند که در آن الزامات توسعه پایدار بیان شده بود.

قطر برای ایجاد تنوع در منابع درآمدی خود و فاصله گرفتن از رانتی بودن اقتصاد، همچنین برای دستیابی به توسعه پایدار و مدیریت منابع، به‌نحوی که برای نسل‌های بعد نیز سودمند باشند، در حوزه‌هایی به‌جز نفت و گاز نیز سرمایه‌گذاری کرده است و در تلاش است تا با به‌کارگیری اقتصاد به‌عنوان نمودی از قدرت نرم، محدودیت‌های سرزمینی، انسانی و امنیتی خود را خنثی کند. به‌وسیله دیپلماسی اقتصادی اتحادیه‌هایی را به وجود آورد که در نهایت به ایجاد یک محیط امن برای کشور منجر شود (Ministry of Development, Planning and Statistics, 2015). در مجموع و با تکیه بر تاریخچه قطر، می‌توان اقتصاد آن را به دو بخش کلی تقسیم کرد: اول، پیش از اکتشاف نفت و گاز؛ و دوم، پس از اکتشاف و استحصال نفت و گاز (Al-mulali and Che Sab 2010: 14-23).

تا سال‌های پیش از اکتشاف نفت؛ اقتصاد قطر، اقتصادی سنتی مبتنی بر صید و صدور ماهی و مروارید بود، شیوه زندگی مردم نیز به‌صورت قبیله‌ای و چادرنشینی بود. در سال ۱۹۳۹ و پس از اکتشاف نفت رشد اقتصاد قطر و نیز حرکت این کشور به سمت مدرن شدن آغاز شد و در سال‌های اخیر با کشف منابع گازی و صادرات موفق گاز مایع، توسعه اقتصادی در این کشور به اوج خود رسید. با این‌وجود اقتصاد قطر، اقتصادی رانتی، تک‌محصولی و وابسته به صادرات انرژی بود؛ این مسئله مشکلاتی را ایجاد می‌کرد، منابع انرژی تجدیدناپذیر بوده و اتکا به آنها بر خلاف مبانی توسعه پایدار است چرا که درآمدهای ناشی از صادرات انرژی به محض اتمام منابع پایان خواهد یافت و برای نسل‌های آینده باقی نخواهد ماند. از طرفی وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات انرژی،

از صفحه قبل) پترولیوم قطر نام گرفت در سال ۱۹۳۸ در حوزه دخان به نفت رسید و دو چاه نفتی دیگر در آن میدان حفر کرد. سرانجام در سال ۱۹۷۴ مالکیت صنایع نفت قطر به‌طور کامل در اختیار دولت قرار گرفت و شرکت نفت قطر تأسیس شد. ظرفیت تولید نفت قطر روزانه ۷۰۰ هزار بشکه است که البته در مقایسه با دیگر تولیدکنندگان نفت عضو اوپک، قطر بازیگر کوچکی به حساب می‌آید. مقامات قطر نیز در سال‌های اخیر در بسیاری از جلسات اوپک اعلام کرده‌اند که قصد دارند بر تولید و صادرات گاز مایع تمرکز کنند و تولید نفت اولویت آن‌ها نیست. حدود ۲۵ تریلیون مترمکعب منابع گازی در کشور قطر وجود دارد و موجب شده تا قطر پس از روسیه و ایران رتبه سوم را از نظر دارا بودن ذخایر گازی داشته باشد. بزرگ‌ترین میدان گازی قطر میدان مشترک گازی با ایران است که در قطر گنبد شمالی و در ایران پارس جنوبی نام دارد. میدان گازی شمال با وسعت ۱۰۷۰۰ کیلومتر مربع دارای ۱۱۸۰ تریلیون فوت مکعب ذخایر گازی است که به‌تنهایی ۱۹ درصد از کل ذخایر گازی جهان را شامل می‌شود. دو سوم از این میدان در مرزهای آبی قطر و مابقی متعلق به ایران است (Ministry of foreign affairs of Qatar - Oil and Gas Sector).

¹. Sustainable Development

². A safe environment

اقتصاد کشور را در برابر نوسانات جهانی نرخ انرژی آسیب پذیر می کند. حاکمان قطر برای محافظت از اقتصاد خود در برابر بحران های جهانی و نیز حرکت در مسیر توسعه پایدار برنامه‌هایی را در جهت متنوع‌سازی اقتصادی ارائه دادند که این برنامه‌ها در نهایت به صورت مدون در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ قطر در سال ۲۰۰۸ بیان شد. این در حالی است که کشور قطر در سال‌های متمادی توانسته است بالاترین میزان درآمد سرانه را ثبت کند. جذب سرمایه‌گذاری نیز در این کشور با روند صعودی در حال وقوع است که کمک شایانی به رشد اقتصادی قطر می کند. زیرساخت‌های استاندارد، ثبات اقتصادی و ریسک پایین و کنترل بر نرخ ارز، مالیات‌ها، سطح تجارت و نیز تأمین مالی طرح‌ها، قطر را به مقصدی امن برای سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است (Qatar's energy overview, 2023).



نمودار ۱. آمار تولید ناخالص داخلی سرانه قطر (۲۰۰۸-۲۰۲۱)

Diagram 1. GDP per capita of Qatar from (2008-2021)

Source: <https://www.macrotrends.net>, 2023

البته رشد اقتصادی قطر را نمی توان به منابع انرژی محدود دانست؛ وجود یک رهبری متعهد به منافع ملی، روابط قوی با شرکای بین‌المللی، تجارت موفق و مشارکت با شرکت‌های نفتی و گازی بین‌المللی، در رشد فزاینده اقتصادی قطر مؤثر بوده‌اند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ قطر تنها بر رفع نیازهای داخلی خود از طریق میدان گازی گنبد شمالی تمرکز کرده بود؛ اما با توجه به وسعت منابع، قطر رشد اقتصادی خود را در گرو صادرات انرژی دید. در سال ۱۹۹۷، نخستین محموله گاز مایع قطر به سواحل ژاپن رسید. در فاصله اندکی پس از این رویداد، صادرات گاز قطر به کشورهای مختلف در آسیای شرقی و اروپا انجام گرفت (Ibrahim & Harrigan, 2012).

۴- یافته‌ها

۴-۱- حساسیت اقتصادی قطر

با وجود موفقیت‌های قطر در حوزه صادرات انرژی شاید این پرسش ایجاد شود که متنوع‌سازی و

¹. The per capita income

². North Dome gas field

حساسیت اقتصادی چه ضرورتی برای قطر دارد. در پاسخ به این پرسش سه دلیل عمده قابل ذکر است؛

اول، تنوع منابع مالی، آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی کاهش خواهد داد؛ دوم، معطوف به عدم قطعیت راجع به آینده است. نیاز کشورها به منابع نفت و گاز در حال کاهش است و انرژی‌های پاک در حال جایگزینی هستند، لذا وابستگی به صادرات انرژی‌های هیدروکربنی در آینده‌ای که میزان تقاضای کشورها برای چنین منابعی، قطعی نیست، رویکردی غیرمنطقی به نظر می‌رسد؛ سوم، وابستگی به یک منبع مالی، میزان نوسانات اقتصادی را افزایش می‌دهد (McSparren and Besada & Sarvade, 2017).

بنا به دلایل ذکر شده قطر در راستای متنوع‌سازی و حساسیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی بسیاری را انجام داده است؛ بنیاد قطر به دارایی‌های این کشور و نیز زمینه‌های سرمایه‌گذاری‌های خارجی قطر، تنوع بخشیده و تأسیس شهر آموزشی و پارک علم و فناوری در قطر به برند سازی علمی این کشور کمک کرده است. همچنین تأسیس و گسترش شبکه تلویزیونی الجزیره و نیز ایجاد و ارتقای هواپیمایی قطر ایرویز، کمک کرده تا کشور قطر در رسانه و حوزه گردشگری نیز نقش‌آفرینی موفقی داشته باشد. قطر همچنین با فرایندهای تجاری جدید، از پروژه‌های غیرنفتی حمایت کرده و سازوکارهایی را ایجاد کرد که در نهایت منجر به توسعه بخش خصوصی گردد (مزدخواه و حمیدی، ۱۴۰۱)؛ (Mozdkhah & Hamidi, 2021).

۴-۲- اقدامات تجاری قطر و تأثیر آن بر تأمین امنیت

کشور قطر در دهه‌های اخیر نمونه موفقی از کاربست نظریه وابستگی متقابل در سیاست خارجی نشان داده و با اقدامات تجاری، امنیتی نسبی ایجاد کرده است. سرآغاز این تحول با انتقال قدرت در سال ۱۹۹۵ به شیخ حمد بن خلیفه آل‌ثانی و سپس به ولیعهد او شیخ تمیم بن حمد آل‌ثانی بود که بر اساس رویکرد جدید این خانواده در سیاست خارجی قطر، تکیه بر شاخص‌های جدید روابط بین‌الملل شد تا با استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی فروش نفت و گاز، فرصت‌هایی را در دیگر حوزه‌های سیاسی و بین‌المللی امنیت‌آفرین فعال کنند، نظیر دیپلماسی رسانه‌ای، اقتصادی، آموزشی، ورزشی، گردشگری، کمک‌های بشردوستانه و میانجیگری بین‌المللی و... که برخلاف رویکرد سابق این کشور و برخلاف رویکرد سیاسی بسیاری از همسایگان قطر بود. در واقع می‌توان چنین استدلال کرد که سه نقطه عطف در طول زمان، سیاست خارجی کنونی قطر و توسل به تجارت برای ایجاد امنیت را شکل داده است:

¹. Educational city and science and technology park

². Al Jazeera TV channel

³. Airways

⁴. Sheikh Hamad Bin Khalifa Al Thani

⁵. Sheikh Tamim bin Hamad al-Thani

⁶. Diplomacy MEDIA

۴-۲-۱- امیر محمد بن خلیفه آل ثانی و حاکمیت نوین

از سال ۱۹۹۵ و به قدرت رسیدن امیر حمد، اصلاحات زیادی در زمینه‌های مختلف در کشور قطر ایجاد شد. در آن سال‌ها قطر سیاست خارجی باز و انعطاف‌پذیری اتخاذ کرد و مقامات این کشور تصمیم گرفتند از محافظه‌کاری فاصله گرفته و به نقش‌آفرینی در پرونده‌های مهم منطقه و جهان پردازند. امیر حمد در تلاش بود تا تصویری مترقی و مدرن از قطر ارائه دهد به همین دلیل در صدد به‌کارگیری اصول لیبرالیسم در وجوه مختلف سیاست قطر برآمد. امیر قطر اصلاحاتی در سیاست داخلی انجام داد، برای نخستین بار انتخابات شورایهای شهر برگزار شد، زنان حق رأی پیدا کردند و قدرت قانون‌گذاری به پارلمان اعطا شد. امیر حمد قصد آن داشت تا بدین وسیله پایداری حاکمیت قطر به دموکراسی را نشان دهد (Khatib, 2013: 15).

در سیاست خارجی، تحکیم صلح و ثبات در منطقه و جهان به یکی از مهم‌ترین اصول سیاست‌گذاری قطر تبدیل شد. کشور قطر خود را موظف به حل و فصل اختلافات بین‌المللی و نیز حمایت از حقوق مردم کشورهای مختلف برای تعیین سرنوشت خود می‌دانست. به همین دلیل در پرونده‌های متعددی از لبنان و فلسطین و یمن گرفته تا اختلافات در اریتره و سودان و سومالی به‌عنوان میانجی نقش‌آفرینی کرد (Barakat, 2012: 10).

قطر همچنین در سال‌های پایانی قرن بیست و نیز سال‌های نخست قرن بیست و یکم، بیش از گذشته برای ایجاد یک سیاست خارجی مستقل از همسایگان خود تلاش کرد. به همین دلیل روابط خود با کشورهایی چون ایران و ترکیه را برخلاف مواضع خصمانه دیگر همسایگان عرب خود علیه این کشورها ارتقا داد. همچنین در جهت اتحاد با قدرت‌های بزرگ گام‌های مهمی برداشت و در همان سال‌ها میزبان بزرگ‌ترین پایگاه هوایی نظامی آمریکا^۱ در منطقه خاورمیانه^۲ شد. قطر در راستای استفاده از ابزارهای نرم قدرت برای ایجاد و افزایش امنیت، در زیرساخت‌های فرهنگی، آموزشی، گردشگری و اقتصادی خود سرمایه‌گذاری کرد. برای نیل به این هدف قطر علاوه بر دارایی‌های خود به سرمایه‌های خارجی نیز نیازمند بود لذا اصلاحاتی در سیستم اقتصادی قطر ایجاد شد تا به محیطی امن برای سرمایه‌گذاری تبدیل شده و توان جذب سرمایه‌های خارجی را داشته باشد. مجموعه عوامل مذکور و اصلاحات ایجاد شده قطر را در مسیری قرارداد که با تکیه بر نقاط قوت خود به‌ویژه در اقتصاد، قدرت خود را افزایش داده، امنیت کشور را تأمین نماید و تأثیرات منفی نقاط ضعف خود را به حداقل رساند.

۴-۲-۲- تدوین سند چشم‌انداز ۲۰۳۰

سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ قطر در سال ۲۰۰۸، باهدف توسعه قطر در چهار محور «انسانی، اجتماعی،

^۱ پایگاه هوایی العدید: مرکز اصلی کنترل فرماندهی نیروی هوایی آمریکا در منطقه و مقر ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا می‌باشد. فاصله این پایگاه تا جمهوری اسلامی ایران ۲۷۵ کیلومتر می‌باشد. این پایگاه بر اساس همکاری میان دوحه-واشنگتن در اختیار نیروهای آمریکایی قرار گرفته است. آمریکا از این پایگاه برای حمله به عراق و افغانستان استفاده کرد. پایگاه هوایی العدید قطر ابرپایگاه (Super Base) آمریکایی‌ها در منطقه است (حسن‌پور و ترشیزی، ۱۳۹۷: ۸۲)؛ (Hasanpour & tTorshizi, 2018: 82).

^۲ Middle East

اقتصادی و زیست‌محیطی^۱ تدوین شد. سیاست‌گذاران قطر با تدوین این سند، پلی از حال به آینده ساخته و درصدد ایجاد تعادل میان نیازهای نسل حاضر و نسل بعد پرداختند تا بدین وسیله قطر را تبدیل به کشوری پیشرفته، توسعه‌یافته و مرفه کنند. چرا که یکی از اهداف مهم این سند راهبردی، همسو کردن رشد اقتصادی با توسعه اجتماعی بود. بدین ترتیب، بخش زیادی از درآمد کشور باید صرف توسعه زیرساخت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و گردشگری قطر می‌شد. در نتیجه بخش زیادی از سرمایه‌گذاری‌های دولت به جای بخش انرژی‌های هیدروکربنی به زیرساخت‌ها انتقال یافت. چنین امری علاوه بر آنکه به توسعه قطر در مواردی که سرمایه‌گذاری در آن‌ها انجام شده بود منجر می‌شد، زیان‌های ناشی از وابستگی به صادرات انرژی را نیز کاهش می‌داد (Qatae National Vision, 2030).

به‌طور کلی وابستگی اقتصاد به صادرات انرژی‌های هیدروکربنی^۲ سبب می‌شود نظام اقتصادی کشور در برابر نوسانات قیمت انرژی و نیز رویدادهای بین‌المللی تأثیرگذار بر ارزش انرژی‌های هیدروکربنی، آسیب‌پذیر باشد. از طرفی منابع هیدروکربن منابعی تجدیدناپذیر محسوب می‌شود و وابستگی به صادرات این انرژی‌ها به این معنا است که در صورت پایان یافتن این منابع، دولت منبع درآمد جایگزینی نداشته و اقتصاد کشور دچار فروپاشی خواهد شد. لذا قطر در محور اقتصادی سند چشم‌انداز ملی ۲۰۳۰ برای جلوگیری از آسیب‌های وابستگی به صادرات انرژی بر گسترش تجارت، افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و نیز متنوع‌سازی منابع درآمد دولت متمرکز شد. در این راستا قطر به توانمندسازی بخش خصوصی پرداخت تا این بخش، تعداد قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی قطر در کشورهای مختلف را به عهده بگیرد.

همچنین بر اساس این سند، قطر مایل به ایفای نقش معناداری در همکاری‌های بین‌المللی است. همچنین قصد دارد علاوه بر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی^۳ در دیگر کشورها به جذب سرمایه‌های کشورهای خارجی نیز بپردازد (Qatae National Vision, 2030).

۴-۲-۳- تحریم؛ نقطه عطف سیاست خارجی قطر

زمانی که عربستان، امارات، بحرین و مصر قطر را تحریم کرده، روابط دیپلماتیک خود را با این کشور قطع کردند و مرزهای زمینی و هوایی خود را در ۵ ژوئن ۲۰۱۷ به روی آن بستند، قطر در وضعیتی بسیار متفاوت با اکنون قرار داشت. در آن زمان اگر عربستان و امارات به قطر حمله نظامی ترتیب می‌دادند، قطر قادر به مقاومت و دفاع از خود نبود (Zafirov, 2017). چرا که جنگنده‌های قطر در آسمان و روی زمین بسیار محدود و قدیمی‌تر از آن بودند که بتوانند در مقابل تجهیزات پیشرفته عربستان و امارات مقاومت کنند. از طرفی، قطر قادر به تأمین مواد غذایی مورد نیاز برای شهروندان خود نیز نبود. در ساعات اولیه تحریم، ترکیه و ایران به‌عنوان ناجیان قطر وارد عمل

^۱. Human, social, economic and environmental

^۲. Hydrocarbon energies

^۳ در برخی از پروژه‌های زیرساختی قطر تا ۵۰ درصد از سرمایه‌های خارجی بهره می‌برد.

شده و با ارسال مایحتاج موردنیاز قطر به این کشور آثار محاصره را به حداقل رساندند. پس از چند روز از گذشت تحریم کشورهای محاصره کننده شروط سیزده گانه‌ای ارائه کردند که قطر با پذیرش آن‌ها می‌توانست تحریم را پایان بخشد. در بخشی از این شرایط، ارتباط قطر با ایران و در بخشی دیگر حضور نظامی ترکیه در قطر و ایجاد پایگاه نظامی در این کشور به‌عنوان دلایل تحریم بیان شده بود (The Guardian, 2022).

سیاستمداران قطر می‌توانستند شروط ارائه شده از جانب کشورهای محاصره کننده را انجام داده و با نادیده گرفتن استقلال خود در سیاست خارجی به کشور دست‌نشانده بدل شود، یا با آگاهی از آنکه این بحران با توجه به اختلافات ریشه‌ای میان قطر و همسایگان خود، آخرین بحران موجود نخواهد بود، به مقاومت پرداخته و با افزایش شرکای تجاری و امنیتی خود، تحریم‌های ایجاد شده و نیز بحران‌های احتمالی آتی را بی‌اثر کنند. در نهایت تصمیم گیران سیاست خارجی دوحه راه دوم را برگزیدند. پس از تحریم، قطر درصدد افزایش توان نظامی خود برآمد و تجهیزات نظامی خود را تا ۹ برابر افزایش داد. قطر پس از تحریم برای تأمین مواد غذایی موردنیاز خود نیز علاوه بر قراردادهای مشترک با کشورهای مختلف به‌ویژه در جنوب شرقی آسیا، روش‌های دیگری از جمله صنعتی ساز تولیدات مواد غذای و نیز کشت فرا سرزمینی‌آرا به کار گرفت تا امنیت غذایی خود را نیز تأمین کند. بنابراین، می‌توان تحریم را رویدادی مهم در جهت تنوع متحدان قطر به حساب آورد. پس از این رویداد بود که قطر بیش‌ازپیش تلاش کرد با همه کشورهای کوچک و بزرگ در منطقه و جهان ارتباطات گسترده برقرار نموده تا در آینده دچار محدودیتی مشابه بحران سال ۲۰۱۷ نشود. برای جلوگیری از تکرار چنین بحرانی، قطر روابط نزدیک‌تری با بسیاری از کشورها برقرار کرد، به‌عنوان مثال قطر برای اتحاد با ترکیه، روسیه، چین، هند، ایالات‌متحده آمریکا و انگلستان بیش‌ازپیش تلاش کرد تا بدین‌وسیله به شرکایی دست یابد تا در صورت وقوع بحران بتواند از قدرت نظامی آنان بهره‌بربرد و از سوی دیگر با ایجاد روابط نزدیک با این کشورها احتمال تنش با آن‌ها را با حداقل برساند.

۴-۳- به‌کارگیری ابزار تجارت برای برقراری امنیت توسط قطر

کشور قطر هم از نظر تاریخی و هم جغرافیایی با محدودیتهایی مواجه است که برقراری امنیت را برای این کشور به شکل سنتی تقریباً ناممکن می‌نماید. از نظر تاریخی قطر در جنگ‌ها و تنش‌های مکرری دخیل بوده است. در سال‌های اخیر مقامات قطر تصمیم گرفتند سیاست خارجی خود را مستقل از همسایگان پی‌بگیرند و به همین دلیل مواضع قطر در بسیاری از موارد در تقابل با دیگر همسایگان عرب این کشور قرار می‌گیرد؛ لذا تهدیدات بالقوه‌ای از جانب همسایگان همواره متوجه قطر خواهد بود. از نظر جغرافیایی قطر وسعت کمی در حدود ۱۱۵۰۰ کیلومتر مربع دارد. موقعیت ژئوپلیتیک قطر نیز چندان مناسب نیست. این کشور تنها یک مرز زمینی مشترک با عربستان دارد و از دیگر جهات به‌وسیله دریا احاطه شده است که این امر محاصره کشور را بسیار آسان می‌کند.

^۱. Arab states issue 13 demands to end Qatar-Gulf crisis

^۲. استفاده از زمین‌های کشاورزی در دیگر کشورها برای کشت محصولات مورد نیاز.



شکل ۲. موقعیت ژئوپلیتیکی قطر

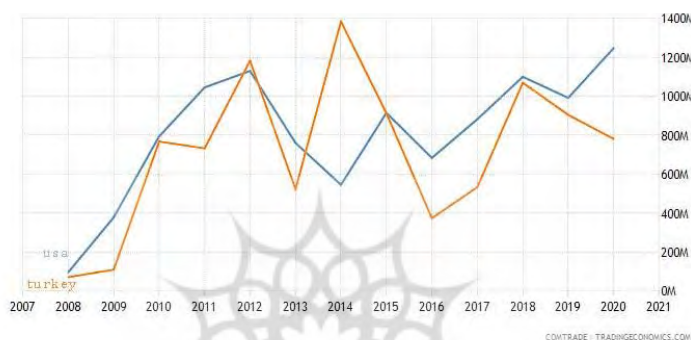
Figure2. Qatar's geopolitical position

Source: <https://lotusarise.com>, 2022

همچنین قطر موانع لجستیکی قابل توجهی نیز ندارد تا در صورت لزوم بتواند از آن‌ها به‌عنوان مواضع دفاعی بهره ببرد. از طرفی جمعیت قطر کمتر از سه میلیون نفر است که از این تعداد تنها ۳۰۰ هزار نفر جمعیت بومی این کشور هستند؛ لذا قطر توان نظامی مطلوبی ندارد. مقامات قطر با آگاهی از چنین نقاط ضعفی، به این نتیجه رسیدند که افزایش قدرت و نیز تأمین امنیت به روش‌های سنتی با تکیه بر سرزمین، جمعیت و نیروی نظامی غیرممکن است؛ لذا به برقراری امنیت از طریق روش‌های نوین روی آوردند و بر نقاط قوت این کشور تمرکز کردند. نقاط قوت قطر را می‌توان در سه محور خلاصه کرد: نخست؛ وضعیت مطلوب در تولید انرژی، باوجود وسعت کم، قطر بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی مایع در جهان است. دوم؛ نفوذ رسانه‌ای، قطر به‌وسیله شبکه الجزیره، بر افکار عمومی افراد در منطقه و جهان تأثیرگذار است و بدین‌وسیله هژمونی خود در خاورمیانه را تثبیت می‌کند. سوم؛ نقطه قوت قطر ذخایر ارزی قابل توجه این کشور است که قطر را در میان ده کشور برتر جهان از نظر ذخایر ارزی قرار می‌دهد (Al-Tamimi and others, 2023: 36-48).

با تکیه بر این نقاط قوت، قطر بر محدودیت‌های خود غلبه کرده و توانسته قدرت و امنیت نسبی خود را تضمین کند. مهم‌ترین وجه سیاست خارجی قطر استفاده از ابزار اقتصاد برای اهداف سیاسی و امنیتی است. دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خارجی قطر بیش از ۲۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است اما مقامات قطر تنها به دنبال افزایش سود اقتصادی خود در سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی نیستند (Haaretz, 2014). قطر با به‌کارگیری روابط اقتصادی و تجاری با دیگر کشورها به دو طریق قدرت و امنیت خود را افزایش می‌دهد: نخست؛ آنکه بر اساس نظریه وابستگی متقابل، پیوند اقتصادی میان کشورها از بروز منازعه میان آن‌ها جلوگیری خواهد کرد. زمانی که دو کشور منافع خود را از طریق تجارت به دست آورند به دنبال کسب غنائم از طریق منازعه نخواهند رفت چراکه این اقدام هزینه‌های زیادی را به آن‌ها تحمیل می‌کند. روش دوم؛ اتخاذ سیاست منحصربه‌فرد

توسط قطر است. کشور قطر با همه کشورها روابط نزدیک برقرار می‌کند تا مورد حمله آن‌ها قرار نگیرد. قطر با حمایت از اقتصاد کشورهای مختلف و سرمایه‌گذاری در آن‌ها نوعی بیمه‌نامه برای خود ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر قطر با اقدامات خود چنین به کشورها القا می‌کند که «ما به شما پول می‌دهیم و از شما حمایت می‌کنیم بنابراین نمی‌توانید به ما حمله کنید» (Haaretz, 2014). می‌توان چنین تبیین کرد که قطر با آگاهی از ناتوانی خود در افزایش قدرت نظامی و تضمین امنیت خود از این طریق، به وسیله نقطه قوت خود در اقتصاد، امنیت را خریداری می‌کند. در این راستا می‌توان به سیر صعودی صادرات کشور قطر به برخی کشورها از جمله چین، آمریکا، هند و ترکیه اشاره کرد:^۱



نمودار ۲. سیر صعودی صادرات قطر (۲۰۰۸-۲۰۲۰)

Diagram 2. Export Growth Trend of Qatar (2008-2020)

Source: Tradingeconomics.com, 2022



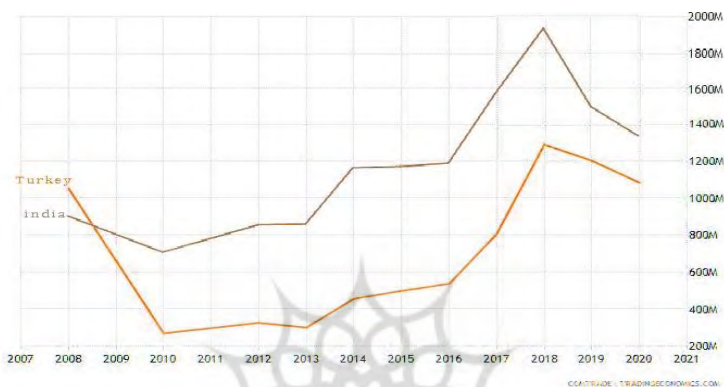
نمودار ۳. سیر صعودی صادرات قطر از چین و هند (۲۰۰۸-۲۰۲۰)

Diagram 3. The upward trend of Qatar's exports from China and India (2008-2020)

Source: <https://tradingeconomics.com/qatar/exports>, 2022

^۱. تمامی آمار و ارقام نمودارهای ۲ تا ۶ از سایت tradingeconomics.com بدست آمده است.

آمار فوق مؤید این نکته است که قطر در سال‌های اخیر علیرغم چالش‌های موجود، در تلاش بوده تا از ظرفیت خود در روابط تجاری خارجی بهترین استفاده را داشته و مناسبات اقتصادی خود را به ویژه در حوزه صادرات انرژی گسترش دهد. توسعه تجارت توسط کشور قطر تنها محدود به صادرات نبوده و این کشور برای برقراری تقارن در وابستگی متقابل واردات خود از کشورهای مذکور را نیز توسعه داده است.



نمودار ۴. توسعه واردات قطر از ترکیه و هند (۲۰۰۸-۲۰۲۰)

Digram4. Development of Qatar's imports from Türkiye and India (2008-2020)

Source: <https://tradingeconomics.com/qatar/imports/turkey, 2022>



نمودار ۵. سیر صعودی واردات قطر از آمریکا و چین (۲۰۰۸-۲۰۲۰)

Digram5. The upward trend of Qatar's imports from America and China (2008-2020)

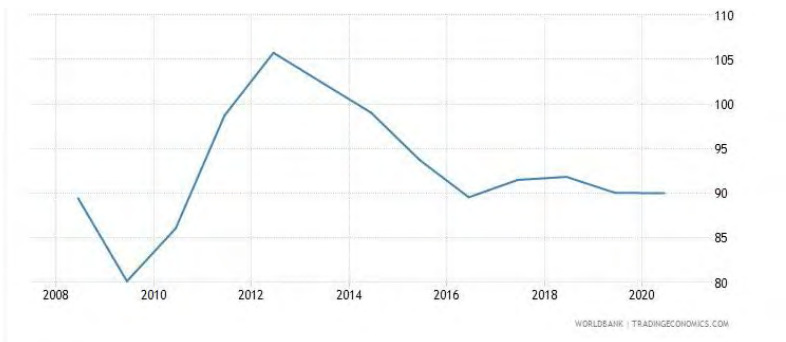
Source: <https://tradingeconomics.com/qatar/imports, 2022>

بر اساس نمودار فوق، قطر در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ علاوه بر توسعه صادرات،

برای بقا و ارتقای روابط در هم تنیده تجاری سعی در آن داشته تا واردات خود را از کشورهای که شرکای مهم تجاری این کشور به حساب می‌آیند را نیز در حد مطلوبی حفظ کند. به عبارت دیگر، گاهی اقدامات تجاری به‌عنوان ابزاری برای محافظت از امنیت ملی صورت می‌گیرند. به‌عنوان مثال تجارت منطقه‌ای می‌تواند سطح امنیت ملی را افزایش دهد، چراکه باعث می‌شود کشورهای منطقه به یکدیگر نزدیک‌تر شده، برداشت‌های غلط تهدیدآمیز نسبت به یکدیگر از بین برود و بدین ترتیب احتمال تنش کاهش یابد. از آنجاکه محدودیت‌های تجاری و سیاست‌های امنیتی مرتبط با تجارت مانند تحریم یا جنگ اقتصادی، می‌توانند خشونت سیاسی را افزایش دهند، کشورها به عضویت در توافق‌های بین‌المللی تجارت می‌پردازند تا از این طریق خشونت سیاسی ناشی از اعمال محدودیت تجاری را کاهش و امنیت خود را تضمین کرده، افزایش دهند (Amodio, Di Maio and Baccini, 2021). تلاش قطر در سال‌های اخیر برای عضویت در سازمان‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی اقتصادی نشان دهنده آن است که رهبران این کشور به تأثیر چنین اقداماتی بر افزایش امنیت خود آگاه هستند.

قطر از اواخر دهه نود قرن بیستم تلاش برای عضویت در سازمان‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی را آغاز کرد و به نهاد‌هایی چون سازمان تجارت جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، گروه ۷۷ و غیره پیوست. حاکمان قطر این اقدامات را زمینه‌ساز حل اختلافات احتمالی و درک متقابل از طریق مذاکره می‌دانند که دستیابی به صلح و امنیت را تسهیل خواهد کرد. عضویت در نهادهای اقتصادی بین‌المللی برای قطر همچنین سبب تقویت روابط دوجانبه با بسیاری از کشورها، روابط منطقه‌ای و نیز بین‌المللی شده است.

از دیگر سو، تجارت بین‌الملل و اقتصاد و سیاست داخلی به‌صورت مستقیم بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، سطح درآمد و تولید داخلی، پشتوانه‌ای برای صادرات و گسترش تجارت است. تجارت نیز موجب می‌شود منافع اقتصادی کشور تضمین شده، سطح رفاه افزایش یافته و تهدیدات امنیتی و خشونت سیاسی کاهش یابد. زمانی که دو کشور پیوند اقتصادی محکم با یکدیگر داشته باشند احتمال درگیری میان آن‌ها به‌شدت کاهش می‌یابد چراکه هر دو کشور از دستاوردهای اقتصادی تجارت فی‌مابین برخوردار هستند و در صورت بروز جنگ و درگیری، هر دو متضرر خواهند شد؛ لذا با فرض اینکه کشورها در نظام بین‌الملل بازیگرانی عقلانی بوده و بر اساس سود و زیان به تصمیم‌گیری می‌پردازند، می‌توان نتیجه گرفت که جنگ و درگیری گزینه مطلوب هیچ‌یک از کشورها نیست. بر اساس یافته‌های تجربی زمانی که حجم تجارت بین دو کشور رشد دو برابری داشته باشد، خصومت میان آن‌ها ۲۰٪ کاهش خواهد یافت (Dixit, 2011). این مسئله به‌خوبی، اهتمام قطر برای برقراری روابط نزدیک با بیشتر کشورهای جهان را توصیف می‌کند.



نمودار ۶. تاثیر تجارت خارجی قطر بر تولید ناخالص داخلی قطر (۲۰۰۹-۲۰۲۱)

Digram 6. Qatar's foreign trade impact on GDP (2009-2021)

Source: <https://tradingeconomics.com/qatar/trade-percent-of-gdp-wb-data.html>, 2022

در تمام سال‌های مورد بررسی بیش از ۸۰ درصد از کل تولید ناخالص داخلی قطر را درآمد حاصل از تجارت تشکیل داده چرا که قطر مزیت نسبی خود را در این حوزه کشف و در صدد ارتقای آن برآمده است. از همین طریق این کشور توانسته بر محدودیت‌های موجود غلبه کرده و نیازهای خود از جمله امنیت را به وسیله تجارت تامین کند.

به کارگیری ابزار اقتصاد در سیاست خارجی، نخست امنیت اقتصادی را به صورت کلان برای کشور ایجاد می‌کند، امنیت اقتصادی در درجه اول ضامن استقلال کشور، ثبات و کارآمدی جامعه است، در چنین فضایی امنیت اقتصادی فرد شهروندان نیز تضمین می‌گردد و رفاه اقتصادی در داخل و ایجاد منافع مشترک با شرکای تجاری در خارج در نهایت امنیت را برای کشور رقم می‌زند (Muntean, 2015).

به عبارتی مهم‌ترین زمینه برای توسعه سیاست خارجی، به غیر از نظامی‌گری و دیپلماسی، اقتصاد است که در بسیاری از موارد، همان‌طور که ثابت شده است، می‌تواند منفعی برای قدرت دولت و اعمال نفوذ در زمینه‌های دیگر ایجاد کند (Papadimitriou and Pistikou, 2015).

با یک برنامه‌ریزی صحیح، تجارت بر توسعه کشورها اثرگذار است، به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که تجارت بین‌الملل، زمینه‌های لازم برای توسعه را فراهم می‌سازد اما به مرحله فعلیت رساندن این ظرفیت و توانایی، مسئله‌ای است که به سیاست‌های توسعه‌ای دولت‌ها بازمی‌گردد (صادق‌پور و دیگران، ۱۳۹۵)؛ (Sadeghpur et.al., 2016) که در قطر در این زمینه با سیاست‌های موفق توسعه و به دنبال آن ارتقای امنیت را به فعلیت رسانده است. در واقع می‌توان گفت رهبران کشور قطر هم از محدودیت‌های جغرافیایی و هم از ظرفیت‌های اقتصادی خود آگاه هستند و برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت آن‌ها برای توسعه در کشور با علم به این که رفاه و توسعه تا چه میزان بر امنیت اثرگذار است انجام می‌شود.

نتیجه گیری

اقتصاد در دهه‌های اخیر نه تنها بخش مهمی از کشور و نیازمند امنیت نسبی و ثبات بوده، بلکه در نظریات برخی اندیشمندان روابط بین‌الملل خود به عنوان ابزاری برای تأمین امنیت معرفی شده است. اندیشمندان لیبرال اقتصادی معتقد بودند پیوندهای تجاری میان کشورها سبب کاهش منازعه و در نتیجه ایجاد نوعی امنیت نسبی برای آن‌ها خواهد شد. بر اساس نظریه وابستگی متقابل کسب منافع توسط کشورها می‌تواند از راه‌های صلح‌آمیز مانند تجارت انجام شود و جنگ و تصرف‌های کشورهای دیگر تنها راه موجود نیست. با در نظر گرفتن این مباحث به نظر می‌رسد که تأثیر تجارت بر امنیت قطر خصوصاً از بازده زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ یکی از موضوعات مهمی است که باید به آن پرداخته می‌شود. بر این اساس نویسندگان ابتدا گذری بر روند تاریخی تجارت قطر داشته‌اند. سپس به سؤال اصلی مقاله پاسخ داده‌اند.

پژوهش حاضر تلاش داشت تا بر اساس روش پژوهش کیفی، با تکنیک نمونه پژوهی و رویکرد تبیینی، تأثیر تجارت بر امنیت قطر را مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش بر عکس پژوهش‌های انجام شده تلاش کرد تا تأثیر تجارت بر امنیت قطر از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ از زوایه وابستگی متقابل مورد بررسی دهد. در واقع نویسندگان این مقاله به این جمع‌بندی رسیده‌اند که پیوندهای تجاری قطر با دیگر کشورها به حوزه‌های مختلف تعمیم یافته و در نهایت امنیت نسبی کشور قطر را تضمین کرده است.

در کل می‌توان ادعا کرد بخش زیادی از امنیت فعلی کشور قطر به وسیله تکیه بر ایده وابستگی متقابل و سیاست‌های توسعه‌ای بلندمدت و نیز با یافتن شرکای قدرتمند سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و در سایه متنوع‌سازی اقتصاد به دست آمده است. این امنیت در بعد نظامی منجر به توانمندسازی کشور قطر از نظر تجهیزات و نیز نیروهای نظامی شده است، در بعد اقتصادی ثبات و رفاه نسبی را به دنبال داشته و در بعد انسانی و اجتماعی توسعه‌یافتگی را در داخل کشور رقم زده است. بنابراین می‌توان این فرضیه را که تجارت سبب ارتقای امنیت می‌گردد را تأیید نمود و برای صحت آن کشور قطر را به عنوان یک نمونه عینی معرفی کرد.

منابع فارسی

۱. اولریکسن، ک. (۱۳۹۶). *اقتصاد سیاسی بین‌المللی خلیج فارس*. ترجمه ارغوانی، ف.، پیرسلامی، س.ج.ص. و کشاورز، م.، تهران: نشر مخاطب.
۲. حسن پور، ح. و ترشیزی برگوئی، ع. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر توسعه پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران. *علوم و فنون نظامی*، ۱۴(۴۵)، ۷۵-۹۱.
۳. حمیدی، س.، و مزدخواه، ا. (۱۴۰۱). قطر و اقتصاد دانش‌بنیان: الگویی نوین برای توسعه‌یافتگی دولت. *دولت پژوهی*، ۸(۳۲)، ۱۸۸-۱۵۷.
۴. سلیمی، ح. (۱۳۹۶). *نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن*. تهران: انتشارات سمت.
۵. صباغیان، ع.، و سروسستانی، ع. (۱۳۹۳). امنیت انرژی و روابط اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۶(۱۹)، ۱۶۱-۱۳۷.

۶. عبدالله‌خانی، ع. (۱۳۸۹). *نظریه‌های امنیت*. تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.
۷. علیپور، م. ص.، اصلانی‌افراشته، ا.، و صافدل، ح. (۱۳۹۵). سازمان تجارت جهانی: امنیت و توسعه اقتصادی. *فصلنامه اقتصاد دفاع*، (۲)۱، ۱۵۷-۱۹۴.
۸. قنبرلو، ع. (۱۳۹۵). اقتصاد لیبرال و مسئله جنگ و صلح در روابط بین‌الملل. *اقتصاد تطبیقی*، (۱)۳، ۴۹-۶۷.
۹. قوام، ع. (۱۳۸۱). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. کامروا، م. (۱۳۹۶). سیاست خارجی قطر و استفاده از قدرت ظریف. *مطالعات بین‌المللی*، (۲)۱۴، ۹۱-۱۳۵.
۱۱. کوهن، ر.، و نای، ج. (۱۴۰۰). *از وابستگی متقابل تا حکمرانی جهانی*. ترجمه بزرگی، و.، تهران: نشر قومس.
۱۲. معجیدی، م.، و جمشیدی، س. (۱۴۰۰). نقش عوامل ژئوپلیتیکی و نظام بین‌الملل بر اختلافات مرزی قطر و عربستان. *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، (۴)۳۳، ۹۰-۷۳.

English References

1. Al-mulali, U., & Che Sab, C. N. (2010). The Impact of Oil Shocks on Qatar's GDP. *MPRA_paper*, No. 27822, posted 02 Jan 2011 19:09 UTC, <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/27822/>
2. Al-Tamimi, N., Amin, A., & Zarrinabadi, N. (2023). Home Qatar's Nation Branding and Soft Power Chapter Creating Nation Brand: The Model of Qatar. *Contributions to International Relations*, <https://doi.org/10.1007/978-3-031-24651-7>
3. Amodio, F., Baccini, L., & Di Maio, M. (2021). Security, Trade and Political Violence. *Journal of European Economic Association*, 19(1), 1-37, <https://doi.org/10.1093/jeea/jvz060>
4. Baldwin, D. A. (1980). *Interdependence and power: a conceptual analysis*. *International Organization*, 34(4), 471-506.
5. Barakat, S. (2012). The Qatari Spring: Qatar's emerging role in Peacemaking, Kuwait Program on Development, Governance and Globalization in the Gulf States. *Research Paper*, 24(1), 1-49.
6. Delabarre, M. (2020). Interdependence between states and economies the international response. *Interdependence Between States and Economies*, 1(1), 1-23.
7. Dixit, A. (2011). International Trade, Foreign Direct Investment and Security, *Annual Review of Economics*, 3 (1), 191-213
8. Hanieh, A. (2011). *Capitalism and Class in the Gulf Arab States*. New York: Palgrave Macmillan Publications.
9. <https://lotusarise.com/india-qatar-relations-upsc/> , (2022)

10. <https://tradingeconomics.com/china/imports/qatar> , (2022)
11. <https://tradingeconomics.com/qatar/imports>, (2022)
12. <https://tradingeconomics.com/qatar/imports/India> , (2022)
13. <https://tradingeconomics.com/qatar/imports/turkey> , (2022)
14. <https://tradingeconomics.com/qatar/trade-percent-of-gdp-wb-data.html> , (2022)
15. <https://tradingeconomics.com/US/imports/qatar> , (2022)
16. <https://www.google.com/amp/s/www.haaretz.com/amp/.premiumhow-qatar-became-an-international-power-1.5258699> Access date (2019), /11/2)
17. <https://www.macrotrends.net/countries/QAT/qatar/gdp-per-capita>
18. <https://www.mofa.gov.qa/en>, Access date: 2019/12/11, Translated References to English
19. <https://www.theguardian.com/world/2017/jun/23/close-al-jazeera-saudi-arabia-issues-qatar-with-13-demands-to-end-blockade>
20. Ibrahim, I. Harrigan, F. (2012). Qatar`s Economy: Past, Present and Future. *QScience connect*, (2012)1, <https://doi.org/10.5339/connect.2012.9>
21. Khatib, L. (2013). Qatar foreign policy: the limits of pragmatism. *Journal of international affairs*, 89(2), 417-431
22. McSparren, J., Besada, H., Saravade, V. (2017). Qatar`s Global Investment Strategy for Diversification and Security in the PostFinancial Crisis Era, *Centre on Governance Research*. Paper Series, Research Paper No. 02/17/EN.
23. Miller, RR. (2020). Qatar, Energy Security, and Strategic Vision in a Small State. *Journal of Arabian Studies Arabia, the Gulf, and the Red Sea*, 10(1), 122-138, doi: 10.1080/21534764.2020.1793494
24. Ministry of Development Planning and Statistics. (2015). Realising Qatar National Vision 2030 The Right to Development. *Qatar`s Fourth National Human Development Report*, at: https://www.psa.gov.qa/en/knowledge/Doc/HDR/Qatar_Fourth_National_HDR_Realising_QNV2030_The_Right_to_Development_2015_EN.pdf
25. Muntean, C. (2015). *The impact of economic diplomacy over national, economic security*. Case study on Eastern, Partnership region, Prague University of Economics and Business.
26. Papadimitriou, P., Pistikou, V. (2015). *Economic Diplomacy in National Security*. *Journal of Procedia Economics and Finance*, 19(1), 129-145, doi:10.1016/S2212-5671(15)00015-5
27. Qatar`s energy overview. (2023). Country Analysis Brief: Qatar. https://www.eia.gov/international/content/analysis/countries_long/Qatar/qatar.pdf

28. Strange, S. (1991). Big Business and the State, *Journal of International Study*, 20(2), 245-286. <https://doi.org/10.1177/03058298910200021501>
29. Zafirov, M. (2017). The Qatar crisis-why the Blocked Failed, *Israel journal of foreign affairs*, 11(2), 191-201.

Translated References to English

1. Abdollahkhani, A. (2010). *Theories of Security*. Tehran: Abraar Moaser Publications. **(In Persian)**
2. Alipour, M., Aslaani afraashteh, A., Saafdel, H. (2016). World Trade Organization: Security and Economic Development. *Journal of Defense Economy*, 1(2), 157-194 **(In Persian)**
3. Al-mulali, U., & Che Sab, C. N. (2010). The Impact of Oil Shocks on Qatar's GDP. *MPRA_paper*, No. 27822, posted 02 Jan 2011 19:09 UTC, <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/27822/>
4. Al-Tamimi, N., Amin, A., & Zarrinabadi, N. (2023). Home Qatar's Nation Branding and Soft Power Chapter Creating Nation Brand: The Model of Qatar. *Contributions to International Relations*, <https://doi.org/10.1007/978-3-031-24651-7>
5. Amodio, F., Baccini, L., & Di Maio, M. (2021). Security, Trade and Political Violence. *Journal of European Economic Association*, 19(1), 1-37, <https://doi.org/10.1093/jeea/jvz060>
6. Baldwin, D. A. (1980). *Interdependence and power: a conceptual analysis*. International Organization, 34(4), 471-506.
7. Barakat, S. (2012). The Qatari Spring: Qatar's emerging role in Peacemaking, Kuwait Program on Development, Governance and Globalization in the Gulf States. *Research Paper*, 24(1), 1-49.
8. Delabarre, M. (2020). Interdependence between states and economies the international response. *Interdependence Between States and Economies*, 1(1), 1-23.
9. Dixit, A. (2011). International Trade, Foreign Direct Investment and Security, *Annual Review of Economics*, 3 (1), 191-213
10. Ghanbarlou, A. (2016). Liberal Economy and The Issue of War and Peace in International Relations. *Journal of Comparative Economy*, 3(1), 49-67. **(In Persian)**
11. Ghavam, S.A. (2002). *Principles of foreign policy and international politics*, Tehran: *SAMT Publications*. **(In Persian)**
12. Hamidi, S., Mozdkhah. E. (2021). Qatar and the Knowledge-Based Economy: A New

- Model for Developmental State. *State Studies Journal*, 8(32), 157-188. **(In Persian)**
13. Hanieh, A. (2011). *Capitalism and Class in the Gulf Arab States*. New York: Palgrave Macmillan Publications.
 14. hasanpour, H., torshizi, A. (2018). Impact of the development of US military bases in the West Asian region on the military security of the Islamic Republic of Iran. *Military Science and Tactics*, 14(45), 75-91. **(In Persian)**
 15. <https://lotusarise.com/india-qatar-relations-upsc/> , (2022)
 16. <https://tradingeconomics.com/china/imports/qatar> , (2022)
 17. <https://tradingeconomics.com/qatar/imports>, (2022)
 18. <https://tradingeconomics.com/qatar/imports/India> , (2022)
 19. <https://tradingeconomics.com/qatar/imports/turkey> , (2022)
 20. <https://tradingeconomics.com/qatar/trade-percent-of-gdp-wb-data.html> , (2022)
 21. <https://tradingeconomics.com/US/imports/qatar> , (2022)
 22. <https://www.google.com/amp/s/www.haaretz.com/amp/.premiuhow-qatar-becamean-international-power-1.5258699> Access date (2019), /11/2)
 23. <https://www.macrotrends.net/countries/QAT/qatar/gdp-per-capita>
 24. <https://www.mofa.gov.qa/en>, Access date: 2019/12/11, Translated References to English
 25. <https://www.theguardian.com/world/2017/jun/23/close-al-jazeera-saudi-arabia-issues-qatar-with-13-demands-to-end-blockade>
 26. Ibrahim, I. Harrigan, F. (2012). Qatar's Economy: Past, Present and Future. *QScience connect*, QScience Connect, Volume 2012, Issue 1, <https://doi.org/10.5339/connect.2012.9>
 27. Ibrahim, I. Harrigan, F. (2012). Qatar's Economy: Past, Present and Future. *QScience connect*, (2012)1, <https://doi.org/10.5339/connect.2012.9>
 28. Kamrava, M. (2017). Qatari Foreign Policy and the Exercise of Subtle Power. *International Studies Journal (ISJ)*, 14(2), 91-135. **(In Persian)**
 29. Keohane O, R., Nye, J. (2021). *From Interdependence to Global Governance*. translator: Bozorgi, V., Tehran: Ghomes Publications. **(In Persian)**
 30. Khatib, L. (2013). Qatar foreign policy: the limits of pragmatism. *Journal of International Affairs*, 89(2), 417-431
 31. Majidi, M., Jamshidi, S. (2020). The role of geopolitical factors and the international system on the border disputes between Qatar and Saudi Arabia. *New achievements in humanities studies*, 4 (43), 73-90. **(In Persian)**
 32. McSparren, J., Besada, H., Saravade, V. (2017). Qatar's Global Investment Strategy for Diversification and Security in the PostFinancial Crisis Era, *Centre on Governance*

- Research. Paper Series, Research Paper No. 02/17/EN.
33. Miller, RR. (2020). Qatar, Energy Security, and Strategic Vision in a Small State. *Journal of Arabian Studies Arabia, the Gulf, and the Red Sea*, 10(1), 122-138, doi: 10.1080/21534764.2020.1793494
 34. Ministry of Development Planning and Statistics. (2015). Realising Qatar National Vision 2030 The Right to Development. *Qatar's Fourth National Human Development Report*, at: https://www.psa.gov.qa/en/knowledge/Doc/HDR/Qatar_Fourth_National_HDR_Realising_QNV2030_The_Right_to_Development_2015_EN.pdf
 35. Muntean, C. (2015). *The impact of economic diplomacy over national, economic security*. Case study on Eastern, Partnership region, Prague University of Economics and Business.
 36. Papadimitriou, P., Pistikou, V. (2015). *Economic Diplomacy in National Security*. *Journal of Procedia Economics and Finance*, 19(1), 129-145, doi:10.1016/S2212-5671(15)00015-5
 37. Qatar's energy overview. (2023). Country Analysis Brief: Qatar. https://www.eia.gov/international/content/analysis/countries_long/Qatar/qatar.pdf
 38. Sabbaghian, A., Sarvestani, A. (2014). Security of Energy and Relations of European. *Union with Central Asian Countries*, 6(19), 137-161. **(In Persian)**
 39. Salimi, H. (2017). *Varous theories about globalization*. Tehran: SAMT Publications. **(In Persian)**
 40. Strange, S. (1991). Big Business and the State, *Journal of International Study*, 20(2), 245-286. <https://doi.org/10.1177/03058298910200021501>
 41. Ulrichsen, K.C. (2017). *The Gulf States in International Political Economy*. Translated by Arghavani Pirsalami, Fariborz and Salehi, Sayed Javad and Keshavarz, Mahdi, Tehran: Mokhtab Publications. **(In Persian)**
 42. Zafirov, M. (2017). The Qatar crisis-why the Blocked Failed, *Israel journal of foreign affairs*, 11(2), 191-201.